

## مقایسه تطبیقی آرای توماس مور و نیکولو ماکیاولی در باب آرمان شهر (نمونه مطالعاتی: کتاب‌های اتوپیا و شهریار)

\* عبدالمهدی سعادت: دانشجوی دکترای معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابی تفرش

Saadat.a.mahdi@gmail.com

دکتر میترا کلانتری: استادیار گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد پروفیسور حسابی تفرش

mitrakalantari@iautb.ac.ir

### چکیده

آرمان شهر، مدینه فاضله و بهشت زمینی‌ای است که فیلسوفان در نظر دارند به واسطه آن و با نگاهی جامع، کامل و دقیق، شرایط نابسامان بشر را تبدیل به شرایط قابل زیست و مناسب نمایند. بشر و مردمی که به فکر زندگی بهتر بوده، و به دنبال تحول در شرایط فعلی هستند، قدرت تغییر آن را ندارند، اما فیلسوفان، متفکران و عالمان، با تعقل و تفکر و تفقه، مبانی فکری این مسیر را تدوین می‌نمایند. پژوهش پیش‌رو در پی مقایسه آرای توماس مور و نیکولو ماکیاولی در باب آرمان شهر، دسته‌بندی نظرات آن‌ها و مشخص کردن تفاوت‌ها و شباهت‌ها می‌باشد. علت انتخاب این موضوع، همزمانی دوره زندگی آن‌ها، الگو قرار گرفتن تفکر آن‌ها در سده‌های بعد از خودشان و نقصان و کمبود در مقایسه آرای این دو متفکر مشهور، در منابع چاپ شده بود. روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است. با تحقیقات انجام شده برای این پژوهش، نتایجی به دست آمد که مهم‌ترین آن از این قبیل است: شرایط نابسامانی در اروپای آن عصر حاکم بود. از طرفی نگاه خشک و بی‌انعطاف کلیسا در قرون وسطی، باعث ایجاد یک دل‌زدگی از شرایط قبلی در جوامع اروپایی آن دوران شد؛ توماس مور و نیکولو ماکیاولی از اندیشمندانی بودند که هر کدام با توجه به وضع موجود راه‌هایی را، در نظریات آرمان شهرگرایانه خود برای ایجاد یک جامعه آرمانی ارائه دادند. اما همان‌طور که بررسی شد این دو نظریه در اکثر ساحت‌ها متفاوت و گاهاً مخالف هم هستند.

واژه‌های کلیدی: آرمان شهر، اتوپیا، توماس مور، شهریار، نیکولو ماکیاولی.

## مقدمه

در دوره‌های مختلف تاریخی، عطش تحول و پیشرفت در جوامع بشری به وفور دیده می‌شود. تحول و تطور از غارنشینی تا عصر معاصر، گواه و شاهد این حجم از علاقه بشر به تغییر است. صنعتی شدن، ماشینی شدن، و تحولات پی در پی شهرسازی کنونی، آرزوی بی‌پایان بشر است که فیلسوفان و نظریه‌پردازان و متفکران را به فکر واداشته تا جهت سوق یافتن جامعه به شرایطی آرمانی، خواهان تحولی آرمانی باشند. شرایط زیستی نامطلوب بشر، قطعاً برای فیلسوف و متفکر هم نامطلوب بوده تا توانسته آرمان شهر را رقم بزنند.

مقاله‌ها و کتاب‌های زیادی در باب آرمان شهر، توماس مور، نیکولو ماکیاولی، اتوپیا، شهریار به طور جداگانه به چاپ رسیده‌اند و اگر هم مقایسه‌ای شده‌اند، با نویسندگان دیگر بوده است. به همین دلیل، موضوع "بررسی و مقایسه آرای توماس مور و نیکولو ماکیاولی در باب آرمان شهر با تکیه بر کتاب‌های اتوپیا و شهریار" باعث نوآوری در پژوهش پیش‌رو شده است. دو فیلسوف و نظریه‌پرداز، هم عصر، با دو تفکر مخالف هم و هر دو ساکن اروپا بوده‌اند. بررسی این تفاوت در تفکر این دو نفر، باعث می‌گردد به جوانب پنهان این تفاوت پی برده شود، در نتیجه جذابیت مطالب برای خواننده بیشتر می‌شود.

آرمان‌خواهی بزرگ‌ترین عامل حرکت و تکامل آدمی است و او را می‌دارد که هرگز در حصار محدود و ثابت واقعیت موجود در طبیعت و زندگی ساکن نماند. همین نیرو همواره او را به تفکر، کشف، کنجکاو، حقیقی، ابتکار و خلق مادی و معنوی می‌دارد (بهرز محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۳۷). از این‌رو هر یک از آنان طرحی جداگانه برای جامعه آرمانی خود با توجه به زمینه اجتماع، بافت فرهنگی و برداشت مؤلف از آن تدوین و ارائه نموده‌اند. در میان کهن‌ترین معماران جامعه آرمانی، نام افلاطون از همه مشهورتر است و در عصر جدید، توماس مور، این جامعه انتزاعی را بر اساس مؤلفه‌های جدید زندگی سیاسی طراحی نموده است (حسین عطریان، زهرا جلیلی، ۱۳۹۶: ۲۳).

هدف اصلی پژوهش پیش‌رو را می‌توان بدین گونه بیان نمود:

- ۱) مقایسه کردن آرای توماس مور و نیکولو ماکیاولی در مورد آرمان شهر.
- پژوهش پیش‌رو جهت نیل به نتیجه‌ای مطلوب‌تر، اهداف فرعی‌ای را به صورت ذیل مطرح می‌نماید:
- ۱) دسته بندی نظرات توماس مور در مورد آرمان شهر.
- ۲) دسته بندی نظرات نیکولو ماکیاولی در مورد آرمان شهر.
- ۳) مشخص کردن نوع رابطه و تشابهات و تفاوت‌های نظریات توماس مور و ماکیاولی در مورد آرمان شهر.

## پیشینه تحقیق

در آثار چاپ شده تا کنون، و تا قبل از چاپ این مقاله، مقایسه مشخصی بین نظریات توماس مور و نیکولو ماکیاولی مطرح نشده است؛ ولیکن هر کدام از این دو نفر را به صورت جداگانه، با فیلسوفان و نظریه‌پردازان دیگر مقایسه کرده‌اند. یا اتوپیا و آرمان شهر را فقط در یک حوزه و از دید یک انسان بزرگ تاریخی بیان نموده‌اند. به عنوان مثال:

۱) پژوهشگران مقاله "جسارتی در مفهوم آرمان شهر از دیدگاه مهدی اخوان ثالث" سعی داشته‌اند با تعریفی کلی از آرمان شهر و اتوپیا، مقاله را به سمت و سوی زندگی و تفکرات اخوان ثالث در باب آرمان شهر بکشانند؛ و مطالبی در باب مکتب رمانتیک، عصر طلایی رمانتیک‌ها، مؤلفه‌های اصلی غم غربت، غربت روح، طنزگونه‌های اخوان و... بیان نمودند. در این مقاله، با بیان انواع ساختار آرمان شهر از نگاه مهدی اخوان ثالث، ملیت ایرانی-زبان فارسی و جامعه ایرانی را در آرمان شهر مطرح می‌کند.

۲) در مقاله "بررسی تطبیقی یوتوپای توماس مور با شهر نیکان نظامی"، جامعه آرمانی را از دغدغه‌های فکری بشر معرفی می‌کند. در این مقاله سعی دارد، جهت به رسمیت شناختن و مهم قلمداد کردن واژه اتوپیا، آثار مشهورترین نویسندگان در این باب را شناسایی و مطرح نموده و تاریخچه‌ای از آن را متذکر شود. آرمان شهر اسلام و ایران، جزو عناوینی است که در این مقاله به صراحت از آن یاد شده، اتوپیا را در نظرات توماس مور و شهر نیکان بررسی نماید. این مقاله سعی دارد به روشنی، اتوپیا و مدینه فاضله را به دو دسته (غربی) و (شرقی) تقسیم کند و تفاوت آنها را بیان کند. در نتیجه، آرمان شهرها را قاعده‌مند از یک اصول منطقی، و اتوپیاها را متفاوت از هم می‌داند. در نتیجه‌گیری به صراحت بیان می‌دارد:

"... بنابراین می‌توان گفت اغلب آرمان شهرها، از یک اصول کلی و منطقی پیروی می‌کنند؛ اما اتوپیاها غربی در پارهای از نکات جزئی، مانند دین و نوع نگاه آنها به انسان و خدا و... با آرمان شهرهای شرقی متفاوت هستند. در پایان، ذکر این نکته خالی از فایده نیست که اغلب معنویت و الهی بودن، جان کلام مدینه‌های فاضله شرقی است؛ در حالی که مادیت و صرف زمینی و خاکی بودن، جان کلام اتوپیاها غربی است (کتایون فرشید، مسعود سپهوندی، فرانک فرشید، ۱۳۹۰: ۱۰۸)".

بر اساس مطالب مطروحه تا بدینجا، و محدودیت در حجم پژوهش پیش‌رو از سمت فصلنامه، برخی از «پیشینه‌های پژوهش» و «پیشینه‌های آرمان شهر و اتوپیا» در قسمت‌های آتی مطرح می‌گردند. در نتیجه جهت رعایت حال خوانندگان محترم و جلوگیری از تکراری شدن مطالب، ترجیح داده شد تا قسمتی از پیشینه، در مبنای نظری قید شود.

این پژوهش با موضوع "مقایسه آرای توماس مور و نیکولو ماکیاولی در باب آرمان شهر (نمونه مطالعاتی: کتاب‌های اتوپیا و شهریار)"، به لحاظ هدف، "هدف تغییری و توصیفی" می‌باشد. ماهیت و روش این تحقیق، "توصیفی-تحلیلی" است. از طرفی، اندازه‌گیری و بررسی کمی و کیفیت پژوهش هم حائز اهمیت است. طبیعتاً نوع پژوهش "تحقیق توصیفی" می‌باشد. از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها «کمی-کیفی» است. نوع داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در چند دسته تقسیم می‌شوند: مطالب، نمودارها و... در قدم اول سعی شد که از امکانات کتابخانه‌ای و منابع مرتبط با بحث "تفکرات توماس مور و نیکولو ماکیاولی در باب آرمان شهر" استفاده شود. جهت به ثمر رسیدن بهتر این پژوهش، و محدودیتی که موجود بود، از دو کتاب اتوپیا و شهریار استفاده گردید.

## مبانی نظری

### آرمان شهر

اوتوپیا واژه ای است یونانی که توماس مور آن را ساخته است، از ریشه<sup>۱</sup> ou-topos به معنای "هیچستان" (یا به زبان حکیم ایرانی، شهاب الدین سهروردی، "ناکجا آباد") که کنایه ای طنزآمیز از eu-topos "خوبستان" در آن است. این نام سرانجام از راه این کتاب جهانگیر شد و در سده های بعد سرسلسله آثار بسیاری در اروپا درباره جامعه آرمانی و ساخت و سازمان آن شد (آشوری، ۱۳۶۱). (Utopia) - (آینده پژوهی و آینده نگری) تصویری خیالی و آرمانی از جامعه بهتر در برابر جامعه ای که هست (فرهنگستان زبان و ادب). آرمان شهر در حقیقت ترجمه واژه "اوتوپیا" است. واژه "اوتوپیا" ریشه در دو لغت یونانی، یعنی "انتوپوس" و "اوتوپوس" دارد که به ترتیب به معنی "جای خوب" و "هیچ جا" هستند (وایز، ۱۳۸۵).

(آرمان شهر) (ش) (امر). جامعه ای خیالی و آرمانی که در آن نظام کاملی برای سعادت نوع بشر حکم فرماست و از هرگونه شر و بدی از قبیل فقر و بدبختی عاری است. و افراشد به کمال علمی و عملی رسیده و از هوی و هوس رسته اند، مدینه فاضله، یوتوپیا (فرهنگ معین). بنابراین معنای اولیه واژه اوتوپیا فراقکندن تخیل به خارج از امر واقع و یک نامکان است؛ یعنی جایی که این جا نیست مکانی دیگر که یک ناکجا آباد است. در این جا نه فقط از نامکان بلکه از زمان هم باید سخن گفت برای این که نه تنها برون بودگی مکانی اوتوپیا (مکانی دیگر) بلکه برون بودگی زمانی (زمانی دیگر) را هم باید در آن تعیین بخشیم (ریکور، ش ۳۲: ۹۹). جوامع آرمانی که واژه "اوتوپیا" بر آنها دلالت دارد همه به شکلی عرضه شده اند که چون در آنها عقلانیت، هماهنگی، فایده و نظم حاکم است بهتر از جوامع موجود هستند (امرسون، ۱۳۸۷).

اما اصطلاح اوتوپیا در یک معنای عام عبارت است از نوشته های کلی درباره شماری از اندیشه ها یا رؤیاهای مختلف برای توصیف یا توجه به خلق یک جامعه بهتر. و البته ممکن است به اندیشه هایی اطلاق شود که از منبع واقعیت نیست، بلکه از مفاهیمی همانند سمبل و نماد، فانتزی، خواب، رؤیا، ایده و شبیه به آن انتزاع شود که بیشترین مفاد آن ها موجود نباشد و ممکن است برای هر طرح اجتماعی، عقلانی و یا سیاسی به کار رود که در آن زمان موجود اجرا شدنی نباشد (پورسیدآقایی، ۱۳۹۱). از نظر مانهایم حالت ذهن هنگامی اوتوپایی است که با حالت واقعیتی که این حالت ذهنی در آن به ظهور می رسد ناسازگار باشد. این ناسازگاری همواره از این نکته هویداست که چنین حالت ذهنی در تجربه، در اندیشه و در عمل معطوف به موضوعاتی است که در موقعیت فعلی وجود ندارد (مانهایم، ۱۳۸۰). بی تردید آرمان شهرداری عامل مهمی در ظهور و اندیشه پیشرفت در غرب جدید گردیده است (نصر، ۱۳۸۲).

این اندیشه در غالب موارد بیانگر تفکری سیاسی و جامعه شناختی بوده که شوق و همت انسانی را در جهت اصلاح جوامع برانگیخته است. انسان عصر جدید با مشاهده بحران های معاصر به خلق ایده های آرمانی روی آورده و خواهان جهانی ایده آل است. اندیشه اتوپیسیم بر آن است که به این عطش انسان معاصر پاسخ گوید اما در این راستا با ضعف ها و کاستی هایی روبه رو شده که به ضد اوتوپیا مبدل گشته است. برخی متفکران اجتماعی سخن گفتن از آرمان شهر را خیال پردازی و رؤیاگرایی دانسته اند که کار لغو و بیهوده، بلکه مضر و زیان بخش است (رامین، ۱۳۸۹). کارل پوپر معتقد است این قبیل طرح های ناکجاآبادی گذشته از این که هرگز به شکلی که به تصور درآمده اند به حقیقت نخواهند پیوست، در نهایت از واقع بینی انسان ها می کاهد و آنان را از این نکته بسیار مهم غافل می سازد که تقریباً هیچ عمل اجتماعی نتیجه مورد انتظار و مطلوب را به بار نمی آورد (پوپر، ۱۳۷۹: ج ۲، ۱۱۹).

### توماس مور

در کتاب اوتوپیا ترجمه نادر افشاری و داریوش آشوری آمده است که توماس مور در هفتم فوریه ۱۴۷۷ در لندن زاده شد. توماس در بهترین مدرسه لندن به آموزش پرداخت. در دوازده سالگی پدر او را بالغ یافت و برای پرورش به اخلاق بزرگان، وی را به خانواده جان مورتن اسقف کنتربری و صدر اعظم انگلستان سپرد. مور از سپتامبر ۱۵۱۰ تا ژوئیه ۱۵۱۸، که یکسره به خدمت دربار هنری هشتم درآمد، یکی از دو معاون کلانتر شهر لندن بود و به عنوان قاضی ای بی طرف و مشاور بی غرض و حامی محرومان در دل اهل لندن جای گرفته بود. در ۱۵۲۹، هنگامی که توماس مور پنجاه و یک ساله بود، شاه کاردینال ولزی را از مقام لرد چانسلری برکنار کرد و مور را به جای او به این مقام گماشت، به مقامی که بعد از مقام شاه و اسقف اعظم کنتربری عالی ترین مقام کشور بود. او در کار قضا جز عدالت و دادگری نظری نداشت و از هیچ مقام یا دوست و خویشاوندی جانبداری نمی کرد و هیچ پیشکشی نمی پذیرفت و همه زبردستان خود در دستگاه قضا را از این کار باز می داشت.

هنری هشتم قصد داشت از همسرش کاترین جدا شود و زنی بگیرد که از او صاحب پسری و جانشینی شود اما از آنجا که در مسیحیت طلاق مجاز نبود و گسستن پیوند زناشویی بسته به رأی پاپ بود و پاپ هم آن را رد کرده بود، بنابراین هنری هشتم سر از فرمان پاپ پیچید و زن خود را طلاق گفت و زنی دیگر به نام "آن بولین" گرفت. سرپیچی مور از حضور در مراسم تاجگذاری آن بولین کینه ای از او در دل هنری انداخت. ازین رو فرمانی صادر کرد به این مضمون که رأی شاه حتی در امور دینی بالاتر از رأی روحانیان است و فرمود که همه رجال کشور به پیروی از این فرمان سوگند بخورند. مور با هیچ یک از این کارها همساز نبود و چون تن به سوگند نداد، شاه تمامی حقوق و مواجب او را برید و پس از چندی او را در برج لندن به زندان انداخت. محاکمه او در یکم ژوئیه ۱۵۳۵ واقع شد. دادگاه مور را به خیانت محکوم کرد که کیفر آن شکم دریدن و بر دار کردن و شقه کردن بود و شاه آن را به گردن زدن کاهش داد. خبر مرگ مور اروپا را تکان داد. کلیسای کاتولیک در سال ۱۹۳۶ او را در شمار قدیسان جای داد. شرح کامل تری از این وقایع در کتاب "تاریخ انگلستان از آغاز تا امروز" به قلم آندره موروا و ترجمه عنایت ا... شکیبایی پور، موجود می باشد.

<sup>۱</sup> واژه اوتوپیا که برای نخستین بار توماس مور (۱۴۷۸-۱۵۳۵ م.) (نویسنده اومانیسیم عصر رنسانس) وزیر هنری هشتم پادشاه انگلستان آن را به کار برد، یونانی و از دو کلمه «ou» به معنای (نا) و «Topos» به معنای (مکان) گرفته شده است (گفته اند این عنوان از بازی توماس مور با دو کلمه «Otopia» (لامکان) و «Eutopia» (مکان خوب) برآمده است) (بهروز محمدی منفرد، ۱۳۸۷: ۳۷).

مور فیلسوف به معنای خاص نبود. ولی با فلسفه آشنا و از آن بهره برده بود. او ادبیات و فلسفه یونان را مطالعه و در دیالوگی از جمهوری افلاطون دفاع کرده بود شهرت وی با نگارش آرمان شهری به نام "اتوپیا" شکل گرفت که با استقبال زیاد سیاست مداران مواجه و سبب شد نام مور در زمره قهرمانان انقلاب بر لوحه ای در میدان سرخ مسکو قرار گیرد (کنی، ۱۳۷۴: ۷ - ۸).

### نیکولو ماکیاوولی

نیکولو ماکیاوولی در سوم ماه مه ۱۴۶۹ در فلورانس ایتالیا متولد شد و در سال ۱۵۲۷ از دنیا رفت. پدر وی برنارد و ماکیاوولی حقوقدان بود. ماکیاوولی از خانواده ای اشرافی یا ثروتمند نبود، اما به دلیل ارتباطات پدر با دانشوران روز مانند بارتولوئو متواسکالا استاد دانشگاه و رئیس دیوان دوم، توانست مدارج عالی سیاسی و دیپلماتیک را بیاموزد. در واقع همین موقعیت های سیاسی بود که ماکیاوولی را از نزدیک با مسائل مهم سیاسی سرزمین خود آشنا کرد. وی برای اولین بار تحت عنوان دیپلمات به دربار لویی دوازدهم راه یافت (اسکینر، ۱۳۸۷: ۲۴). البته ماکیاوولی زندگی سیاسی پرفراز و فرودی داشت و حتی یک بار زندانی شد و تنها به این شرط از زندان آزاد شد که دیگر فعالیت های سیاسی را دنبال نکند. تلاش های بعدی وی برای از سرگیری فعالیت سیاسی نیز به دلیل همکاری با خاندان مدیچی چندین ثمر بخش نبود. برکناری ماکیاوولی از کار دولتی فراغتی را برای او فراهم کرد که بتواند با خیالی آسوده تر به تعمق درباره شرایط موجود بپردازد. شارل بناو درباره وی می گوید: هرچند وی شغلش را از دست داد، ولی ماکیاوولی شد (شوالیه، ۱۳۷۳: ۱۲).

### یافته‌ها

### اوضاع اروپا در سده های ۱۵ و ۱۶

دو سده ای که از پی سال ۱۴۰۰ میلادی در اروپا آمد، یعنی سده های پانزدهم و شانزدهم شاهد زیروزبر شدن اروپای قرون وسطایی بود. در جدول زیر خلاصه ای از این تغییرات گرد آمده اند.

جدول شماره ۱: شرح اجمالی برخی از اتفاقات سده های ۱۵ و ۱۶ در اروپا، (مأخذ: آشوری، ۱۳۶۱)

به وجود آمدن جنبش نوزایی(رنسانس).	به وجود آمدن جنبش دین پیرایی (رفورماسیون).
به وجود آمدن انبوهی از اندیشه های تازه.	زنده شدن اندیشه عقلی و انتقادی یونانی.
زنده شدن اندیشه دولت آرمانی و بحث و تفکر در پیرامون آن.	تغییر نگرش در شکل نقشه جهان و ستارگان و اجرام سماوی.
زنده کردن آثار کلاسیک روم و یونان یکی از جنبه های بسیار مهم رنسانس بود.	امید بستن به امکانات و دستیافت های عقل بشر.
در سده چهاردهم طاعونی اروپا را فرا گرفت که از جمعیت اروپا بسیار کاست و ضربه ای سخت به نیروی کار فئودالی زد و اثرات آن تا سده بعدی باقی ماند.	در ایتالیا شهرها به دولتشرها تبدیل شدند و خانواده های فرمانروا بر آن ها مانند خانواده مدیچی در فلورانس، مطالعه آثار کلاسیک را رواج می دادند.
ورود چاپ و کاغذ به صحنه نیز حادثه ای بزرگ بود و ضربه ای سخت به مرجعیت کلیسا زد.	در سده پانزدهم بهبود طرح ریزی کشتی ها، سفرهای کاشفانه و گسترش تجارت را ممکن کرده بود.

### زمانه توماس مور

هنگامی که توماس مور در ۱۵۱۵ و ۱۵۱۶ یوتوپیا را می نوشت آرامش پیش از توفان برقرار بود. نخستین مرحله نوزایش (رنسانس) سرآمده و جنبش دین پیرایی آغاز شده بود. در این زمان معماران بزرگ پیشتاز چون برنلچی، البرتی و برامانته مرده بودند، میکلا آنجلو مشغول به کار بود. لئوناردو داوینچی سه ساله بود و رافائل چهار ساله. ماکیاوولی در ۱۵۱۳ کتاب شهریار را تمام کرده بود و خانواده مدیچی به دنبال تبعیدی بیست ساله پس از حکومت مذهبی ساوو نارولا، تازه به فلورانس بازگشته بودند. مور از راه استاد خویش در دانشگاه آکسفورد به نام، گروسین که در فلورانس و رم درس خوانده بود، یگراست با فراداد اومانسیم ایتالیایی پیوند داشت و نیز دوست نزدیک اراسموس بود که خرده گیریهای بی پرده اش از کلیسا را همان تخمی دانسته اند که لوتر، سرانجام با به راه انداختن جنبش دین پیرانی بارور کرد. در ۱۵۱۷ یک سال پس از پایان یافتن یوتوپیا لوتر نود و پنج تر خود را منتشر کرد و جنبش بعدی به امید و آرزوی مور و اراسموس پایان داد که خواهان بهبودی در کلیسا بودند بی آنکه شکافی در آن پدید آید (آشوری، ۱۳۶۱).

### جامعه آرمانی مور در کتاب اتوپیا

کتاب اتوپیای توماس مور از دو بخش تشکیل شده است که بخش اول توصیفی از اوضاع نابسامان آن عصر انگلستان دارد و چون دارای جنبه ای واقعی است هم ارزش تاریخی و هم جنبه جامعه شناختی دارد. هرچند این بخش یک سال پس از نگارش بخش دوم نوشته شده است (روویون، ۱۳۸۵: ۴۵). ولی از حیث منطقی مقدم است و زمینه را برای بخش دوم یعنی پرداختن به آرمان شهرش فراهم می آورد (پورسیدآقایی، ۱۳۹۱).

برخی از این نابسامانی ها در حکومت به شرح زیر است:

- ۱) پادشاهان اغلب خود را در کار جنگ می دانند به جای اینکه به فنون سودمند صلح بپردازند (مور، ۱۳۶۱: ۳۳-۳۴).
- ۲) پادشاهان همواره به حق یا به نا حق در پی به چنگ آوردن سرزمین های تازه هستند به جای آنکه در اندیشه شیوه بهتر فرمانروایی بر آنچه هم اکنون دارند، باشند (همان، ص ۳۴).
- ۳) رایزنان پادشاهان چنان خردمندند که به هیچ اندرزی نیاز ندارند یا دست کم به نظر خودشان اینچنین است. آنان برای آنکه از درگاه پادشاه رانده نشوند برای به دست آوردن دل پادشاه بیراه ترین گفته ها را نیز می پذیرند و می ستایند و طبیعی است که هر کس عقیده خویش را برتر می داند و بدان می بالد. کلاغ پیر بچه خود را و بوزینه تخم و ترکه خود را می پرستد (همان، ص ۳۴).

و در مورد شیوه حکومت در برخورد با مخالفان، بزهکاران و همچنین ظلم اقتصادی آنان می نویسد:

- ۱) در ۱۴۹۷ پس قیام اهالی کورنوال بر علیه پادشاه، با کشتاری عظیم حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم تهی دست را از بین بردند (همان، ص ۳۵).
- ۲) چنان زود دزدان را به دار می زنند که گاه بیست دزد را با هم بر یک چوبه می آویزند (همان، ص ۳۶).

۳) والاتباران و بزرگ زادگان و البته مردان خدا و مدیران دیر با سرمایه گذاری بر روی گوسفندان پر پشم، زمین ها را برای چراگاه حصار بندی می کنند و زمین زیادی برای کشت باقی نمی ماند. هم کشاورزان بیکار می شوند و هم زمین ها نابود می شود. قیمت غله و پشم بالا می رود. فقیر فقیر تر شده و ثروتمند، غنی تر.... پس آنان که غروری دارند، دزدی را از گدایی شریف تر می دانند (همان، ص ۳۹-۴۱).  
و در مورد شیوه حکومت برای بالا بردن ثروت پادشاه می گوید:

۱) یکی پیشنهاد می کند که هرگاه که پادشاه بدهی های خود را می پردازد ارزش پول را افزایش دهیم و هنگامی که در آمدش را جمع می کند از ارزش پول بکاهیم.

۲) دیگری توصیه می کند که به بهانه جنگ به جمع آوری پول بپردازیم. همینکه پول به قدر کافی گرد آمد اعلام شود که صلح کرده ایم.

۳) سومی قوانین پوسیده ای را بیاد می آورد که سال هاست به کار بسته نشده اند و رعایای پادشاه آنها را یاد برده اند و در نتیجه منسوخ شده اند؛ او پیشنهاد می کند که جریمه های سنگین برای شکستن این قوانین به کار بندیم تا هم پادشاه پول زیادی گرد آورد و هم او را به خاطر اجرای قوانین و گزاردن داد بستانند.

۴) چهارمی توصیه می کند که کارهای بسیاری را که به زبان همگان است با کیفرهای سخت ممنوع اعلام کنند و سپس از ممنوعیت ها با دریافت پول چشم پوشند و از این راه پادشاه رضایت مردم را فراهم آورده و سود او دو برابر می شود پادشاه می تواند برای کسانی که قوانین را زیر پا گذارند جریمه های سنگین ببندد و هرچه جواز را گران تر بفروشد بیشتر نگران حال مردم بنظر می آید؛ زیرا پادشاه هرگز گامی برخلاف خیر همگان بر نمی دارد مگر به بهانهی کلان (همان، ص ۵۴).

در بخش دوم کتاب، مور به توصیف آرمان شهر خویش می پردازد که در ضمن آن از جامعه خویش خرده می گیرد. از این رو برای در امان ماندن از بی آمدهای این همه انتقاد از جامعه، به زبان طنز متمسک می شود (زرین کوب، ۱۳۷۵).

قسمت اول کتاب دوم مربوط به شکل و موقعیت مکانی اتوپیاست. همچنین با بیان سیستم تقسیم بندی شهرها و روستاها و خیابان بندی ها و حصار شهرها خواننده را با فضای شهرش آشنا می کند. به عنوان مثال می گوید:

۱) در جزیره پنجاه و چهار شهر هست همه بزرگ و نیک ساخت، و زبان و راه و روش ها و نهادها و قانون های همگی یکسان همگی را تا جایی که وضع مکان اجازه می دهد با یک نقشه ساخته اند (همان، ص ۶۸).

۲) هر خانه دری به خیابان و دری به باغ دارد. درها که از دو آت ساخته شده اند به آسانی باز و به خودی خود بسته می شوند و هر کسی را می گذارند که در آید زیرا مالکیت خصوصی وجود ندارد. هرده سال خانه ها را با قرعه عوض می کنند به باغهاشان بسیار می رسند (همان، ص ۷۲).

شهر مور حدود ۲.۵ میلیون نفر جمعیت دارد. در این شهر هر کس با هر مقامی کارگزار مردم است و قوانین به گونه ای هستند که کسی سوء استفاده نکند. او می نویسد:

۱) از فهرست چهار نفری مردانی که مردم چهار محله شهر نامزد کرده اند شهریار را برمی گزینند. فیلاک ها سوگند خورده اند که شایسته ترین مردی را که گمان کنند، برگزینند. شهریار برای همه عمر برگزیده می شود، مگر آنکه گمان برند که خیال یکه تازی در سر دارد (همان، ص ۷۳).

۲) قاعده این است که در هیچ امر عمومی تصمیمی گرفته نمی شود مگر آنکه موضوع در سه روز گوناگون در سنا مطرح شده باشد. رأی زدن درباره امور عمومی بیرون از سنا یا انجمن مردم گناه بزرگی شمرده می شود. این مقررات را از آن جهت نهاده اند که شهریار و ترانیبورها برای دگرگون کردن حکومت و به بندگی کشیدن مردم توطئه نکنند (همان، ص ۷۳).

۳) یکی از رویه هائی که در سنا رعایت می کنند آن است که هیچ امری را در همان روزی که به مجلس آورده می شود به بحث نمی گذارند بلکه مسأله را به نشست بعدی می برند تا مبدا کسی چیزی نابجا از دهانش در برود (همان، ص ۷۴).

۴) چون قوانینشان اندک هست، همه قانون را می دانند و آنان وکیل ندارند (همان، ص ۱۱۰).

۵) به طور کلی سخت ترین جنایت ها را با بندگی کیفر می دهند زیرا بندگی را برای جنایتکار کمتر از مرگ نمی شمارند. مگر زناکار بخشیده شده که برای بار دوم اگر زنا کند، کیفرش مرگ است (همان، ص ۱۰۸).

۶) می باید بر سر قول و قرارهای خصوصی خود بود، و می باید فرمان برد از قوانین عمومی که فرمانروائی خوب دادگرانه گذارده است و مردم نه با زور نه با فریب، بلکه آزادانه بدانها گردن نهاده اند (همان، ص ۹۴).

وضع اقتصادی و شیوه کاری و حتی لباس پوشیدن مردم اتوپیا متفاوت از شهرهای دیگر است. او می گوید:

۱) به شکل عام همه مردان و زنان کشاورز هستند. اما جدا از این هرکی پیشه خاص خود را هم مانند پشم بافی، کتان بافی، بنایی، آهنگری و یا درودگری دارد (همان، ص ۷۴).

۲) همه لباس ها یک شکل و یک طرح هستند. فقط جامه های مجردان و متأهلان متفاوت است. لباس ها دست و پا گیر نیستند و هم برای زمستان در خوردند و هم برای تابستان (همان، ص ۷۴).

۳) ۶ ساعت کار می کنند. ۸ ساعت می خوابند و ۸ ساعت هم در اختیار خودشان هستند که عموماً یا مطالعه می کنند و یا به دنبال آموزش می روند. برخی هم به باغداری و باغ گردی و گفتگو و موسیقی می پردازند (همان، ص ۷۵).

۴) در یوتوپیا که همه چیز از آن همگان است، می دانند که انبارها و سیلوهای دولتی پر است و هیچ کس از هیچ چیزی برای بهره گیری شخصی محروم نخواهد بود. در میان ایشان نه کسی از سیری می ترسد نه از گرسنگی می میرد و هیچ کس تهیدست و در غم نان نیست هنگامی که هیچ کس مالک هیچ چیز نباشد همه ثروتمندند (همان، ص ۱۳۵).

۵) یوتوپیا که در آن از مالکیت خصوصی خبری نیست و مردم با شور و شوق امر عمومی را دنبال می کنند دو چندان شایسته نام "جامعه همسود" است (همان، ص ۱۳۵).

و اما در مورد روابط اجتماعی آنان می گوید که :

- ۱) پیرترین فرد هر خانوار بر آن حکومت می کند. زنان از شوهران، کودکان از والدین و جوانان از سالمندان فرمان می برند (همان، ص ۸۰).
- ۲) هیچ زنی پیش از هجده سالگی زناشوئی نمی کند و هیچ مردی پیش از بیست و یک سالگی. اگر کشف شود که مردی (یا زنی) پیش از زناشوئی پنهانی ماجرائی داشته به سختی کیفر داده می شود و همه عمر از زناشوئی محروم می شود مگر آنکه بخشایش شاهانه او را از کیفر معاف دارد (همان، ص ۱۰۶).
- ۳) پیش از زناشوئی نخست زنی شایسته و محترم، باکره یا بیوه، دختر را برهنه برخواستگارش می نمایند و پس از آن مردی شریف خواستگار را عریان بر زن می نمایند (همان، ص ۱۰۷).
- ۴) آنان به تک همسری اعتقاد دارند و تنها در شرایطی خاص با نظر سنا می توانند طلاق بگیرند (همان، ص ۱۰۷).
- ۵) از نکات جالب مردمان اتوپیا عدم توجه به زر و سیم به عنوان کلای گرانها است. وی می نویسد: از آنجا که سیم و زر را تنها برای روزگار سختی نگاه می دارند می پابند که درین میان کسی بر این فلزها بیش از آنچه ارزش آنهاست ارج نهد. آهن البته بسیار برتر از آن دو است... گلدانهای اتاق و نیمکت‌های تالار عمومی و خانه هاشان از زر و سیم است؛ همچنین زنجیرها و بندهای بندگانشان حلقه های زرین به گوش و انگشتان بزهارانشان کنند و طوقهای زرین به گردنشان می بندند و تاج زرین بر سرشان می نهند. بدینسان زر و سیم را هر چه بتوانند خوار می کنند (همان، ص ۸۶-۹۰).

مورد در مردم اتوپیا می گوید:

- ۱) روح انسانی نامیرا است و با عنایت خداوندی برای شادکامی سرشته شده است پس از این زندگی برای فضیلت‌های ما پاداش معین شده است و برای گناهانمان کیفر چنین می اندیشند که این باورها اگرچه به دین تعلق دارند، با عقل نیز سازگارند و عقل را در نظر دارند و به رسمیت می شناسند (همان، ص ۹۲).
  - ۲) در سراسر جزیره دین های گوناگون، هست همچنانکه در هر شهری، برخی خورشید پرستند برخی ماه پرست، و نیز برخی دیگر ستاره ها را می پرستند. برخی مردان برجسته صاحب فضیلت و بزرگ را می پرستند آن هم نه همچون یکی از خدایان بلکه همچون خدای متعال. اما بیشینه اهل یوتوپیا، و در میان ایشان خردمندترین، کسانشان هیچ یک از اینها را نمی پرستند ایشان برآنند که خدائی ناشناخته جاودانی بیکران و ناشناختنی وجود دارد که وری فهم بشر است و در تمامی کیهان نه به صورت ماده بلکه به صورت فضیلت و قدرت سریان دارد (همان، ص ۱۲۲).
- هرچند همه مردم اتوپیا کشاورز هستند اما از هنر جنگیدن نیز بی بهره نیستند. وی می نویسد: از جنگ بیزارند زیرا آن را کاری بی گفتگو درنده خویانه می شمارند... با اینهمه هم مردان و هم زنان یوتوپیا در روزهای معین به تمرین نظامی می پردازند (همان، ص ۱۱۳).

### زمانه ماکیاولی

به نظر می رسد آنچه بر اندیشه های سیاسی ماکیاولی اثر مستقیم داشت، همین محیط سیاسی زمانه اوست (کاسیرر، ۱۳۸۵: ۱۶۷). در این زمینه هرین شاو می گوید ایتالیا که از لحاظ عقلی و هنری پیشگام اروپا بود از نظر اخلاق و سیاست از بخش های دیگر اروپا عقب مانده تر بود. مردم آن از نژادها و فرهنگهای گوناگون به کل فاسد شده بودند. قدرت نظامی ایتالیا یکسره نابود شده بود و شهروان آن بزدل و بزهار بودند در ایتالیا بازرگانان - به عنوان طبقه مسلط - از طریق تجارت و همچنین وام دهی به پاپ ها و شاهزادگان ثروت های هنگفت به دست آورده بودند و از نظر سیاسی خلأ یک دولت عام بر ایتالیا احساس می شد و هر کدام از شهرها به طور مستقل اداره می شدند (پالمرو، ۱۳۸۴). در عین حال کلیسای ایتالیا دنیا طلب و به درجه ای باورنکردنی فاسد شده بود (عالم، ۱۳۸۶).

برای مثال الکساندر ششم (۱۵۰۳-۱۴۹۲ م) برای راضی نگه داشتن بستگان حریص خود - که از اسپانیا آمده بودند - از مقام پاپی سوءاستفاده می کرد و درصد برآمد فرزندش سزار بورژیا را حکمران ایتالیا کند (پالمرو، ۱۳۸۴). بازرگانان حاکم بر شهرها در ایتالیا هیچ تلاشی برای تأسیسات سیاسی مناسب بورژوازی انجام ندادند تعداد افراد وطن پرست در آن بسیار محدود بود به نظر می رسد مشهورترین آنها ماکیاولی بود که با نفرت از کلیسا آرزو داشت رزمجوها (ارتش) را که در اختیار شاهزادگان مستقل بود، برای مقاصد وطن پرستانه به کار گیرد (پالمرو، ۱۳۸۴).

در واقع شرایط حاکم بر ایتالیا برای ماکیاولی - به عنوان یک وطن پرست- قابل تحمل نبود. در کل با نگاهی به جامعه قرن پانزدهم و شانزدهم ایتالیا - سال های آغازین رنسانس - می توان گفت مهم ترین بحران سیاسی که ماکیاولی مشاهده می کرد، بی نظمی و ناامنی حاکم بر جامعه ایتالیا بود. حکومت ها پی در پی هم می آمدند و می رفتند. سرزمین ماکیاولی در برابر متجاوزان خارجی مانند فرانسه به شدت آسیب پذیر بود. هر چند این عصر با قرون وسطی تفاوت عمده ای داشت، اما همچنان در آن سیاست تحت تأثیر دو نهاد کلیسا و امپراتوری مقدس روم بود (کلوسکو، ۱۳۹۲). در عین حال رنسانس می کوشید اندیشه های یونان و روم باستان را در مقابل سلطه کلیسایی احیا کند. بدین معنا شاید بتوان نامنی و پراکندگی سیاسی و سلطه کلیسایی را مهمترین بحران های پیش روی ماکیاولی دانست.

### جامعه آرمانی ماکیاولی در کتاب شهريار

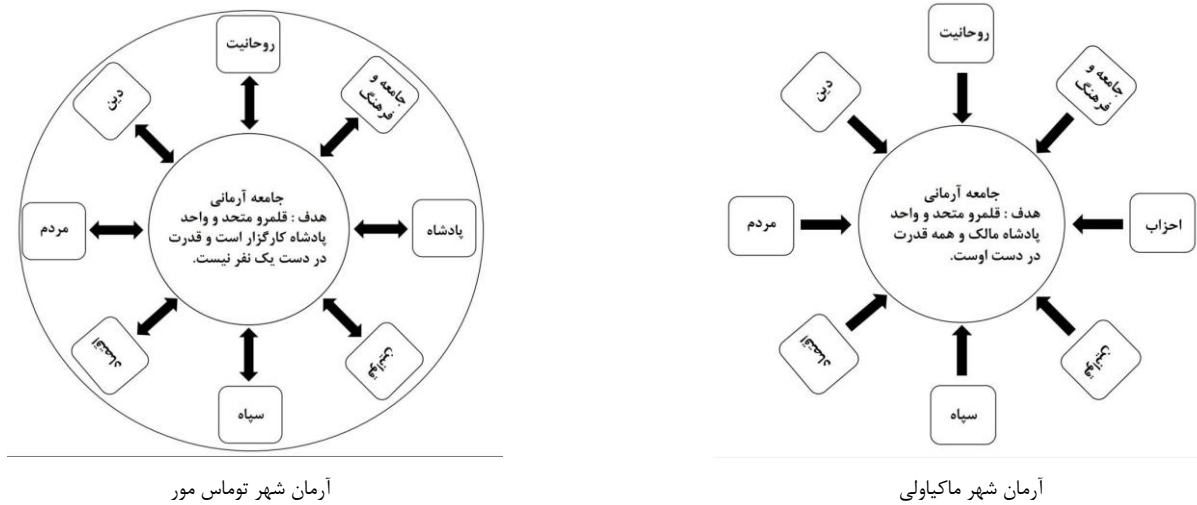
این کتاب در قالب ۲۶ فصل در سال ۱۵۱۳ توسط نیکولو ماکیاولی نوشته شد و به لورنزو کبیر پسر پی یرو دی مدیچی تقدیم گردید. اولین چاپ آن پس از مرگ وی و در سال ۱۵۳۰ صورت گرفت.

ماکیاولی در این کتاب می نویسد که حکومت ها یا جمهوری هستند و یا پادشاهی موروثی یا پادشاهی نوبنیاد. و در حکومت های موروثی به علت رعایت رسوم گذشته اداره حکومت ساده تر است. در ادامه به پادشاه می گوید که در هر نوع از حکومت چگونه باید رفتار کند و او باید با حساب، کشورگشایی کند و مناطق جدیدی را فتح نماید. او در ادامه به شیوه ارتباط شهريار با مردمان تحت حکومتش می پردازد و می گوید:

- ۱) باید توجه داشت که مردم را باید یا مورد نوازش قرار داد یا معدوم کرد آنها برای جراحات و صدمات کوچک انتقام خواهند گرفت، ولی برای صدمات عمده قادر به این کار نخواهند بود (ماکیاولی، ۱۳۸۹، ف: ۳، ص: ۴۳).

- ۲) اول اینکه آنها را چپاول و سرکوب کنیم دوم، اینکه به محل رفته و شخصاً در آنجا مقیم شویم. سوم اینکه اجازه دهیم آن کشورها تحت قوانین خاص خویش زندگی کنند و از آنها خراج بگیریم و همزمان در داخل آن کشور حکومتی متشکل از تعدادی معدود اعیان - الیگاری ایجاد کنیم که با ما روابط دوستانه برقرار کنند (همان، ف ۵: ۵۸).
- ۳) سهل است مردم را به امری قانع کردن ولی دشوار است آنها را بر آن باور پایدار نگه داشتن پس لازم است امور را آنگونه ترتیب داد که اگر دست از باور کشیدند هنوز بتوان آنها را به زور وادار کرد باور کنند (همان، ف ۶: ۶۶).
- ۴) باید آنها را قادرند و ممکن است به او زخمی بزنند نبود کند. قشون قدیم را سرکوب کند و سپاهی جدید به وجود آورد. دوستی پادشاهان و شاهزادگان را به نحوی تحصیل کند که آنها از خدمت به او خوشنود باشند و از صدمه زدن به او واهمه داشته باشند (همان، ف ۷: ۷۷).
- ۵) ضربات را باید یکجا و یکباره وارد کرد تا به خاطر دوام کوتاه کمتر دردناک باشد و زودتر فراموش شود اما احسان را باید ذره ذره و به تدریج جاری کرد تا بهتر کام دهد و دوام بیشتری داشته باشد (همان، ف ۸: ۸۴).
- ۶) درباره نوع بشر می توان گفت که عموماً ناسپاس، متملق، ربا کار، طمع کار و ترسویند (همان، ف ۱۷: ۱۲۴).
- ماکیاولی معتقد است که جامعه ایده آل باید شهریار قدرتمندی داشته باشد و قدرت شهریار بسته به توان نظامی و قدرت مالی و قوانین نیکو است. او می گوید:
- ۱) به نظر من کسانی به تنهایی قادر به حفظ خود هستند که به واسطه ی وفور نفرات و پول می توانند ارتشی وافی مهیا کنند و در میدان رزم به هر کس حمله آورد مقابله کنند (همان، ف ۱۰: ۹۱).
- ۲) یک حکمران با تدبیر از جهت حفظ و تداوم پایداری و شجاعت رعایایش چه در آغاز و چه در طول دوران حصر، مشکلی نخواهد داشت، مشروط بر اینکه آذوقه و تجهیزات و وسایل دفاع از خود را در اختیار داشته باشد (همان، ف ۱۰: ۹۳).
- ۳) برای یک حکمران ضروری است که ارکان حکومتی استواری داشته باشد والا نابودی او قطعی خواهد بود. ارکان اصلی کلیه دولت ها کشورها و ممالک چه جدید، چه قدیم و چه مختلط عبارتند از قوانین نیکو و قوای مسلح خوب و مناسب (همان، ف ۱۲: ۹۹).
- ماکیاولی بر این نظر است که مشغولیت اصلی شهریار برای ایجاد یک جامعه آرمانی و متحد توجه به جنگ است. وی می نویسد:
- ۱) به جز جنگ و شئون و سازماندهی آن، شهریار نباید مشغله ذهنی یا هدف دیگری داشته باشد یا به مطالعه ای غیر از آن بپردازد زیرا جنگ تنها هنر لازم برای کسی است که فرماندهی می کند (همان، ف ۱۴: ۱۱۳).
- ۲) شهریار هرگز نباید اجازه دهد افکارش از مسائل جنگی منحرف شود و اشتغال او به این کار در زمان صلح باید بیشتر از زمان جنگ باشد (همان، ف ۱۴: ۱۱۴).
- ۳) برای پرورش ذهن خود شهریار باید به مطالعه تاریخ و احوال و اعمال مردان بزرگ و سرشناس بپردازد و ببیند آن ها در کار جنگ چگونه عمل کرده اند (همان، ف ۱۴: ۱۱۵).
- و اما در مورد مسایل اخلاقی، توصیه ماکیاولی این است که شهریار باید به هدفش بنگرد و مسایل اخلاقی نباید او را از این هدف باز دارد. او می گوید:
- ۱) او (شهریار) نباید از آلوده شدن به اقتضاح آن دسته از رذایلی که بدون آنها نجات دولت و کشورش دشوار می گردد واهمه و ابا داشته باشد زیرا اگر به درستی توجه کنیم درمی یابیم که پیروی از برخی چیزها که به نظر فضایل می آیند موجب نابودی شخص می شود و برخی دیگر که به نظر رذایل می آیند، باعث امنیت و سعادت بیشتر شخص می شوند (همان، ف ۱۱۸: ۱۱۸).
- ۲) خوبست شهریار به بخشندگی و بلندنظری شناخته شود. معذالک بخشندگی آنگونه که مردمان دنیا آن را می فهمند باعث اضرار تو می شود (همان، ف ۱۵: ۱۱۹).
- ۳) اگر شهریار خواستار دفاع از خویشتن است ... باید اهمیتی به شهرت خست و تنگ نظری خود ندهد زیرا این تنگ نظری یکی از همان رذایلی است که او را قادر به حکمرانی خواهد کرد (همان، ف ۱۵: ۱۲۰).
- ۴) شخص باید هم مهیب و خوف آور باشد و هم محبوب و مورد مهر. ولی چون همزمانی این هر دو مشکل است اگر قرار است یکی را انتخاب کنیم آن وقت هیبت آور بودن به مراتب امن تر و مطمئن تر از محبوب بودن است (همان، ف ۱۷: ۱۲۴).
- ۵) حکمران عاقل نباید به عهد خود وفا کند (همان، ف ۱۸: ۱۲۸).
- ۶) در اعمال بشر، و به ویژه حکمرانان که از آن فرجامی نیست هدف وسیله را توجیه می کند پس بگذار که شهریار با هدف فتح و استقرار یک دولت اقدام کند (همان، ف ۱۸: ۱۳۰).
- در مورد ظاهر رفتار شهریار، ماکیاولی توصیه می کند که:
- ۱) او باید در سنن قدیمی نوآوری های ایجاد نماید، جدی و مهربان دریادل و آزاده باشد (همان، ف ۷: ۷۷).
- ۲) یک شهریار باید همچنین خود را دوستدار هنر معرفی کند، مردان لایق را بپذیرد و کسانی را که در هر زمینه (فن و هنر م) به استادی رسیده اند مفتخر گرداند (همان، ف ۲۱: ۱۵۵).
- ۳) به علاوه باید در فصول مناسبی از سال مردم را با برپایی جشن ها و نمایشات سرگرم کند (همان، ف ۲۱: ۱۵۶).
- ۴) اما باید اعمالش (شهریار) در ظاهر به گونه ای باشد که رحمت، وفاداری، صداقت، نوع دوستی و دینداری دیده شود. و این آخری از همه مهم تر است (همان، ف ۱۸: ۱۲۹).

با توجه به مطالب مطروحه در قسمت یافته های پژوهش، مقایسه بین این دو تفکر در قالب دیاگرام و جدول ارائه می گردد. دیاگرام زیر، اجزای تشکیل دهنده آرمان شهرهای ماکیاولی و مور را تشریح می کند:



دیاگرام شماره ۱: شباهت ها و تفاوت های آرمان شهر ماکیاولی با مور (مأخذ: نگارندگان)

در جدول زیر هم، هر دو آرمان شهر با هم مقایسه شده اند:

جدول شماره ۲: مقایسه آرمان شهر ماکیاولی و مور (مأخذ: نگارندگان)

آرمان شهر ماکیاولی	اتوپیا توماس مور
شهریار قدرت مطلق است.	پادشاه کارگزار مردم است.
قوانین در جهت حفظ قدرت شهریار است.	قوانین در جهت حفظ نظم و همسویی جامعه است.
مقامات دولتی و لشگری زیر دست شاه هستند.	مقامات لشگری و دولتی در کنار شاه هستند.
قدرت شاه نامحدود است و قوانین در جهت قدرتمند تر شدن اوست.	قوانین به گونه ای هستند که هیچ کس نمی تواند سو استفاده کند.
دین و روحانیت و جامعه و فرهنگ در جهت حفظ شاه باید باشند.	دین و روحانیت و جامعه و فرهنگ در جهت حفظ قوانین و همسویی جامعه هستند.
قدرت نظامی و اقتصادی شاه حرف اول را میزند.	فرهنگ و اتحاد جامعه حرف اول را میزند.
اقتصاد در جهت حفظ مالکیت شخصی و حزبی و حکومتی است.	اقتصاد بر مبنای عدم مالکیت شخصی است و همه در همه چیز سهم دارند.
مردم تنها ابزاری برای حفظ حکومتند.	شالوده اصلی حکومت، مردمند.
دین ابزاری است برای محبوبیت و قدرت شهریار. هرچه قدر شهریار چهره دینی بیشتری از خود نان دهد موفق تر خواهد بود.	ایشان برآنند که خدائی ناشناخته جاودانی بیکران و ناشناختنی وجود دارد که ورای فهم بشر است و در تمامی کیهان نه به صورت ماده بلکه به صورت فضیلت و قدرت سریان دارد.
هدف وسیله را توجیه می کند.	هدف حفظ عدالت و همسویی اجتماعی است.
حکمران عاقل نباید به عهد خود وفا کند.	می باید بر سر قول و قرارهای خصوصی خود بود.
درجه اشرافی و اصالت خانوادگی و ثروت تعیین کننده شان و شخصیت است. شاه برترین است.	سن در اتوپیا دارای شان است و سالخورگان بیشترین منزلت را دارند.
به جز جنگ و شئون و سازماندهی آن، شهریار نباید مشغله ذهنی یا هدف دیگری داشته باشد.	از جنگ بیزارند اما هم زنان و هم مردان هنر جنگیدن را می آموزند.
بخشی از این تفکر در کشورهای پادشاهی به چشم می خورد.	بخشی از این تفکر در کشورهای کمونیستی به چشم می خورد.

### نتیجه گیری

این پژوهش با توجه به مطالب فوق به این نتیجه رسید که:

- شرایط ناسامان اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که در اروپای آن عصر حاکم بود از طرفی و نگاه خشک و بی انعطاف کلیسا در قرون قبلی باعث ایجاد یک دل زدگی از شرایط قرون وسطی در جوامع اروپایی آن عصر شد و هرچند افرادی نظیر مور و اراسموس تلاش کردند نتوانستند کلیسا را متعادل کنند. بنابراین افراط دوره قبل باعث ایجاد تفریط دوره جدید در دین شد.
- با فرو ریختن این اعتماد به دین، عقل به جای ایمان نشست و اندیشه های مختلف هر کدام به دنبال پیدا کردن الگویی برای سعادت بشر گشتند.
- توماس مور و نیکولو ماکیاولی از اندیشمندانی بودند که هرکدام با توجه به وضع موجود، راه رهایی را در نظریات آرمان شهرگرایانه خود دیدند. اما همان طور که بررسی شد این دو نظریه در اکثر ساحت ها متفاوت و گاهاً مخالف هم هستند.
- مور بر یک جامعه بی طبقه و همسو از نظر عدالت اجتماعی و اقتصادی تاکید دارد و راه آن را عدم مالکیت فردی می داند. اما ماکیاولی راه نجات را در حمایت همه جانبه از شهریار می داند و در اصل مالک اصلی را شهریار می داند.



- ۵) قدرت در آرمان شهر مور در بین کل ارکان نظام سیاسی و اجتماعی تقسیم می شود اما در جامعه آرمانی ماکیاول همه قدرت ها در سیطره شهريار بايد باشد.
- ۶) فرجام حکومت هایی که بعد از این دو تفکر بر سرکار آمدند نشان می دهد که این دو نگاه به جامعه آرمانی به شدت دچار خلل هستند. چرا که یا در افراط هستند و یا در تفریط.
- ۷) نکته مشترک این دو تفکر این است که انسان را محور هستی و همه کاره در عالم می دانند و به اصالت انسان (اومانيسم) معتقدند.
- ۸) در مقابل این دو تفکر، تفکر خدامحورانه اسلامی قرار دارد که با تمام قدرت و شأنی که برای انسان عاقل قائل است، او را بنده خدا می داند که در پژوهش آتی به آن اشاره خواهد شد.

## مراجع

- ۱) اسکینر، کوئنتین؛ ترجمه: فولادوند، عزت‌الله؛ (۱۳۸۰)؛ "ماکیاولی"؛ تهران، طرح نو.
- ۲) امرسون، راجرال؛ ترجمه: دیهیمی، خشایار؛ (۱۳۸۷)؛ "فرهنگ اندیشه های سیاسی (اتوپیا)؛ (چاپ دوم)؛ تهران: نشر نی.
- ۳) پالمر، رابرت روزول، (۱۳۸۴)؛ "تاریخ جهان نو"، (جلد اول)؛ (چاپ پنجم)؛ تهران: امیرکبیر.
- ۴) پوپر، کارل؛ ترجمه: جلال الدین، اعلم؛ (۱۳۷۹)؛ "جامعه بازو دشمنان آن"؛ تهران: انتشارات سروش.
- ۵) پور سید آقایی، سید مسعود؛ (۱۳۹۱)؛ "نقدی بر معیارهای ارزش مداری آرمان شهر توماس مور در کرامت انسانی"؛ فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال ششم، شماره ۲۳.
- ۶) توانا، محمدعلی؛ (۱۳۹۸)؛ "بررسی مقایسه ای قابوسنامه عنصر المعالی و شهريار ماکیاولی بر اساس چاقوب نظری توماس اسپریگنز"؛ فصل نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۹، شماره ۱، صص. ۳۵-۵۵.
- ۷) رامین، فرح؛ (۱۳۸۹)؛ "ساختار معرفت در فرهنگ اتوپای مور و آرمان شهر مهدوی"؛ فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، سال چهارم، شماره ۱۳.
- ۸) روویون، فردریک؛ ترجمه: باقری، عباس؛ (۱۳۸۵)؛ "آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب"؛ تهران: نشر نی.
- ۹) ریکور، پل؛ ترجمه: بستانی، احمد؛ (۱۳۸۱)؛ "ایدئولوژی و اتوپیا"؛ مجله نامه مفید، شماره ۳۲، قم: دانشگاه مفید.
- ۱۰) زرین کوب، عبدالحسین؛ (۱۳۷۵)؛ "تاریخ در ترازو"؛ تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۱) شوالیه، ژان ژاک؛ ترجمه: سازگار، لیلا؛ (۱۳۷۳)؛ "آثار بزرگ سیاسی از ماکیاولی تا هیتلر"؛ تهران مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲) عالم، عبدالرحمان؛ (۱۳۸۶)؛ "تاریخ فلسفه سیاسی غرب"؛ (چاپ دهم)؛ تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- ۱۳) عطریان، حسین؛ جلیلی، زهرا؛ (۱۳۹۶)؛ "آرمان شهر (اتوپیا یا مدینه فاضل) از نظر امام علی (ع) در نهج البلاغه"؛ شیراز: اولین کنگره علمی بین‌المللی فرهنگ، زبان و ادبیات.
- ۱۴) فرشید، کتابون؛ سپهوندی، مسعود؛ فرشید، فرانک؛ (۱۳۹۰)؛ "بررسی تطبیقی یوتوپای توماس مور با شهر نیکان نظامی"؛ فصل نامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- ۱۵) کاسیرر، ارنست؛ ترجمه: دریابندری، نجف؛ (۱۳۸۵)؛ "افسانه دولت"؛ تهران: خوارزمی.
- ۱۶) کلوسکو، جورج؛ ترجمه: دیهیمی، خشایار؛ (۱۳۹۲)؛ "تاریخ اندیشه سیاسی در غرب" (جلد سوم)، از ماکیاولی تا منتسکیو؛ (چاپ دوم)؛ تهران: نشر نی.
- ۱۷) کنی، آنتونی؛ ترجمه: کوثری، عبدالله؛ (۱۳۷۴)؛ "توماس مور"؛ تهران: طرح نو.
- ۱۸) ماکیاولی، نیکولو؛ ترجمه: زرکش، احمد؛ (۱۳۸۹)؛ "شهريار"؛ تهران: نشر پژوهاک.
- ۱۹) مانهایم، کارل؛ ترجمه: مجیدی، فریبرز؛ (۱۳۸۰)؛ "ایدئولوژی و اتوپیا"؛ تهران: سازمان مطالعه کتب علوم انسانی دانشگاه.
- ۲۰) محمدی منفرد، بهروز؛ (۱۳۸۷)؛ "چیستی اتوپیا"؛ کلام و عرفان، صص. ۳۵-۴۶.
- ۲۱) محمدی منفرد، بهروز؛ (۱۳۹۹)؛ "نقد کتاب اتوپای توماس مور"؛ پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماه نامه علمی، سال بیستم، شماره دوازدهم، صص. ۳۷۱-۳۹۲.
- ۲۲) مور، توماس؛ ترجمه: آشوری، داریوش؛ افشاری، نادر؛ (۱۳۶۱)؛ "آرمان شهر"؛ انتشارات خارزمی.
- ۲۳) نصر، سید حسن؛ ترجمه: میانباری، حسن؛ (۱۳۸۲)؛ "نیاز به علم مقدس"؛ تهران: انتشارات طه.
- ۲۴) وایز، فیلیپ پی؛ (۱۳۸۵)؛ "فرهنگ تاریخ اندیشه‌ها (مطالعاتی درباره گزیده‌ای از اندیشه‌های اساسی)"؛ تهران: سعادت.